

ک ک



| | | | | | | | | | |
|----|----|----|---|---|----|----|---|---|---|
| اَ | اِ | اُ | ه | ی | ای | او | آ | آ | ک |
| | | | | | | | | | |

گریم یک اُردک دارد.

سه گبوتر با اُردکِ او در کنارِ پرکه ای بازی می کنند.

دیروز که گریم بادیادک دُرُست می کرد، اکبر به او نزدیک شد تا به او کُتک کند.

اکبر برادر گریم است. او در بانکِ مرکزی کار می کند.

اسمِ مادر آنان، اکرم است. او دگتر است.

او در آراک کودگان را درمان می کند.

اکرم برای شام کوکو با کباب درست کرده است.

او با نمکدان، گمی ننگ در کباب می ریزد.



کودک - بادکُنک - می کارَد - گدو - تارِیک
گره - کِتاب - کوزه - کاسه - کَندو



ا ا



| | | | |
|----|----|----|---|
| اَ | اِ | اُ | ب |
| | | | د |
| | | | م |
| | | | س |
| | | | ت |
| | | | ر |
| | | | ز |
| | | | ش |
| | | | ی |

ایزد، انسان نا اُمید را دوست ندارد.

اُمید در اُستانِ مازندران به دُنیا آمده است.

او در روستا، بُز دارد. بُز او دُمِ زیبایی دارد.

اُمید با بُزش از بیرون، تُند آمد.

مادرش، شیر بُز را دوشید.

مردُم، شیرِ ترش را دوست ندارند.

اُمید ماست را برای مدیرِ دبستان بُرد.

او می داند، ماست از شیرِ دُرُست شده است.

برادرش، مُراد، شُتر دارد.

آیا شما می دانید شیرِ دُشمنِ شُتر است؟

سُرسره - مُشت - مُناسِب - شد

دُرُشت - اُتوبوس - شُست



با نشانه های زیر نقاشی کن .



سه



شتی



زه



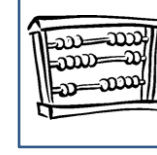
ف



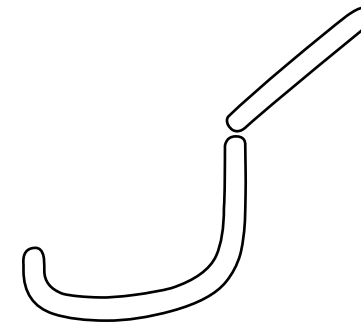
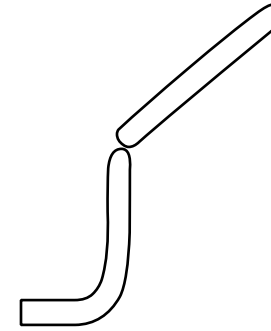
است



تاب



چرت

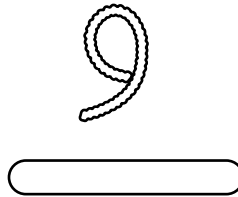
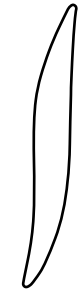


لاه

کاف اول کبوتر کبوتر نامه بر



با نشانه های زیر نقاشی کن .



ریچه

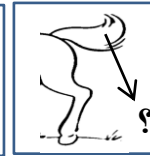


ز

کلات



ز

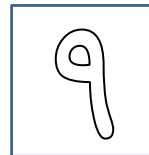


م

د دار ننگ



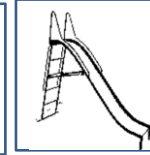
ه



شت



باله



رسره